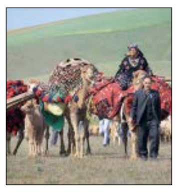

کوچ زودهنگام عشایر به چهارمحال و بختیاری ممنوع!

هرسال نزدیکی‌های بهار زمزمه کوچ در چادرعشایر دومین استان عشایرنشین کشـور یعنی چهارمحال و بختیاری به گوش می‌رسد. امسـال اما مدیرکل امور عشایر این اسـتان، اعلام کرده که کوچ بهاره و زودهنگام عشایر همراه با دام به مراتع مناطق ییلاقی چهارمحال و بختیاری قبل از تقویم کوچ ممنوع است.

یحیی حسین پور با اعلام این خبر گفته: کوچ بهاره عشایر به مراتع مناطق ییلاقی استان تخلف محسوب می‌شود و قبل از زمان تقویم کوچ، خدمات رسانی از سوی هیچ دستگاه اجرایی در نظر گرفته نشده است.

حسـین پور درباره دلیل این تصمیم گیـری هم گفته، که برخی افراد سـودجو یا ناآگاه با نقض زمان مقرر کـوچ، اقدام به چرای دام در مراتع اسـتان می‌کنند و این اقدام موجـب تخریب عرصه‌های منابع طبیعی می‌شـود. به گفته این مقام مسـؤول زمان اجرای تقویم کوچ بهاره دام عشـایر در چهارمحال و بختیاری ۱۵ اردیبهشت۹۹ اعلام شده است./ خبرگزاری صدا و سیما

مردم سردشت اولین شهر شیمیایی جهان در گفت و گو با جام جم از نگرانی شان درباره شیوع ویروس کرونا می‌گویند

سردشت دوباره ماسک ندارد

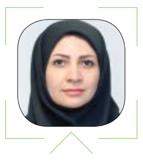

مینا مولایی

ایران

اگر صفحات تقویم هفتم تیرماه ۱۳۶۶ را نشان می‌دادند، شاید مسؤولان بهداشت و درمان کشورمان یادشان می‌افتاد که سردشت اولین شهر شیمیایی جهان، با بیش از ۸ هزار مصدوم شیمیایی، از دیگر شهرهای کشورمان دربرابر ویروس کرونا آسیب پذیرتر است و زودتر دست به کار می‌شدند تا مصدومان و جانبازان شیمیایی این شهر، از کمبود ماسک و مواد ضدعفونی کننده و دستکش مثل مردم بقیه شهرها گلایه مند نباشند! اما حالا که بیش از ۳ هفته از شیوع ویروس و همه گیری اش در کشور گذشته، ما برای شما از قول مردم سردشت می‌نویسیم که سردشت بازهم سپر دفاعی ندارد. که سردشتی‌ها باز هم ماسک ندارند.

سردشـتی‌ها ۳۲ سال است که با عوارض بمباران شـیمیایی زندگی می‌کنند، در خاطره همه مردم این شهر، چه آنهایی که سن شان به بمباران قد می‌دهد چه آنهایی که در سال‌های بعد از جنگ به دنیا آمدند و از نزدیک رنج و درد اعضای شیمیایی شده خانواده‌شان را دیدند، خردل نام آشنایی است؛ نامی که گره خورده به تیرماه ۱۳۶۶ و در تمام این سال‌ها پا به پایشان با تاول‌هایی بزرگ و آبدار، پوستی ورآمده، چشم‌هایی سرخ و ملتهب، سینه‌ای خشک و پر از سرفه و نفسی که سخت بالا می‌آید، پیش آمده. سردشتی‌ها ۳۲ سال است با این مشکلات زندگی می‌کنند و حالا در گیرودار شیوع ویروس کرونا درکشور، وقتی همه نگران ابتلا به این بیماری هستند، آنها مانده اند و زخمی قدیمی که مرهم ندارد! زخمی که می‌تواند دوباره سر باز کند و نفس شان را ببرد!

همین است که آنها همان اولین روزهایی که خبر شیوع کرونا در کشور شنیده می‌شد و هنوز ویروس شهر به شهر جلو نیامده بود تا به نزدیکی شان برسد، برای وزیر بهداشت یک نامه نوشتند و درخواست توجه ویژه‌تری کردند؛ درخواست کمکی که هنوز که هنوز است بی جواب مانده. صالح عزیزپوراقدم، رئیس انجمن دفاع از حقوق مصدومان شیمیایی سردشت در همین رابطه به ما می‌گوید: «ما در تاریخ پنج اسفند برای وزیر بهداشت نامه از طرف انجمن مصدومان شیمیایی سردشت نوشتیم و هشدار دادیم که وضعیت شهرما بحرانی است و گفتیم که با توجه به این‌که اینجا جانباز شیمیایی زیاداست و سیستم دفاعی بدنی جانبازها ضعیف است، اگر این ویروس به سردشت وارد شود فاجعه به بار می‌آورد، اما هنوز که هنوز است هیچ اقدامی در این زمینه انجام نشده و حتی جواب نامه ما را هم نداده‌اند.»

نامه بی‌جواب

نامه سردشتی‌ها البته یک رونوشت هم داشت که به دفتر رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران حجت‌الاسلام سید محمدعلی شهیدی ارسال شد و از نتیجه آن هم هنوز خبری نیست و عزیزپوراقدم می‌گوید: «البته هفته گذشته شنیدیم که تعداد محدودی ماسک و دستکش بین خانواده جانبازان شیمیایی درشهر توزیع شده اما از هرکسی که پرسیدیم این بسته‌ها را نگرفته بود! درحالی که اگر خدای نکرده کرونا در سردشت شیوع پیدا کند، حتی از بمباران شیمیایی هم می‌تواند برای مردم ما که آسیب پذیر هستند خطرناک‌تر باشد. مخصوصا از این نظر که ما مصدومان شیمیایی زیادی داریم که در ادارات مختلف مشغول به کارند و دولت تمهیدی برای آنها و دورکاری یا مرخصی شان نکرده است، آن هم درحالی که آنها نسبت به مردم عادی آسیب پذیرتر هستند.»

او برای حرفش شاهد هم می‌آورد و از وجود ۸۰۰۰ مصدوم شیمیایی در این شهر خبر می‌دهد؛ ۸۰۰۰ نفری که نسبت به مردم عادی سیستم دفاعی آسیب پذیرتری دارند و همین موضوع برنگرانی‌ها می‌افزاید. مخصوصا وقتی که مردم این شهر از کمبود ماسک و مواد ضدعفونی کننده گلایه می‌کنند. تجربه‌ای که رئیس انجمن دفاع از حقوق مصدومان شیمیایی سردشت به‌عنوان یک جانباز ۳۵ درصد شیمیایی درباره‌اش می‌گوید: من خودم دراین چند روز سعی کردم تعدادی ماسک تهیه کنم تا بین اعضای انجمن پخش کنیم اما در هیچ داروخانه‌ای خبر از ماسک و مواد ضدعفونی نیست، از طرف دیگر در سطح شهر هم اقدام خاصی برای ایمن‌سازی معابر عمومی انجام نمی‌شود و این خود مردم هستند که به صورت خودجوش از پمپ‌های سمپاشی مزارع برای ضدعفونی استفاده می‌کنند درحالی که ما انتظار داریم مثل بقیه شهرها از امکانات دولتی برای شهر ما استفاده شود.»

گلایه او حرفی است که از زبان یک جانباز شیمیایی دیگر هم می‌شنویم و کمال فتاحی، جانباز ۲۵ درصد شیمیایی به ما از رنجی می‌گوید که برای تهیه ماسک کشیده و دست خالی برگشته: «در سردشت هیچ داروخانه‌ای ماسک ندارد. مردم هم به خاطر همین ناراحت هستند، دریغ از یک ماسک و یک ماده ضدعفونی... هیچ چیزی بین جانبازان و مصدومان شیمیایی توزیع نشده و مدام وعده می‌دهند که قرار است توزیع کنند! حالا من از این مسؤولان می‌پرسم که کِی قرار است توزیع کنید؟ وقتی که کار ما تمام شد؟! من برای تهیه ماسک به چند داروخانه سرزدم و هیچ چیزی پیدا نکردم، آخرش هم یکی از دوستانم مردانگی کرد و چندتا ماسک داد که الان آنقدر از آنها استفاده کرده‌ام که دیگر قابل استفاده نیستند!»

یک بیمارستان و ۸۰۰۰ مصدوم

این گلایه‌ها به گوش حسین محمدیان یکی دیگر از جانبازان شیمیایی و از اعضای هیئت مدیره انجمن مصدومان شیمیایی سردشت آشناست. او از این گلایه‌ها در این چند روز زیاد شنیده و خودش هم مثل بقیه مردم دستش از ماسک و موادضدعفونی کننده خالی است، او هم از دلهره و دست خالی مردم شهری می‌گوید که دربرابر کرونا می‌توانند نسبت به بقیه مردم آسیب پذیرتر باشند. او البته یک نگرانی دیگر هم دارد؛ این‌که در صورت بروز مشکل و شیوع بیماری در این شهر، امکانات درمانی سردشت جوابگوی خیل عظیم بیماران نباشد و در همین رابطه به ما می‌گوید: «اینجا یک بیمارستان ۶۴ تخت خوابی داریم برای کل شهرستان سردشت که سه شهر و ۲۴۰ روستا دارد که در صورت بروز مشکل با توجه به تعداد بالای مصدومان شیمیایی در سردرشت قطعا جوابگوی همه مردم نیست.»

بیمارستان ۶۴ تختخوابی سردشت همان بیمارستانی است که در روزهای حاد آلودگی هوا هم ظرفیتش برای پذیرش بیماران کافی نیست و حالا کمبود فضای درمانی اش به نگرانی بزرگ مردم این شهر تبدیل شده است؛ مخصوصا در شرایطی که بیمارستان‌های شهرهای دیگر، درگیر درمان بیماران بومی خودشان هستند!

تبعات کرونا در سردشت جبران ناپذیر است

نگرانی سردشتی‌ها اما از سه شنبه گذشته که شنیده اند یک نفر در سردشت به ویروس کرونا مبتلا شده بیشتر شده؛ خبری که البته تا لحظه نوشته شدن گزارش توسط هیچ کدام از مسؤولین وزارت بهداشت تایید نشده است و با این حال رسول خضری نماینده مردم پیرانشهر و سردشت درباره اش به ما می‌گوید: «موارد مثبت و منفی کاذب کرونا در این کیت‌ها کم نیست و تا زمانی که قطعی نشود نمی‌توان اعلام کرد که نتیجه قطعی چه چیزی بوده است. چراکه در آزمایش اولیه به صورت عام چندین نوع کرونا ویروس را بررسی می‌کنند و درنهایت آزمایش نهایی کووید ۱۹ را نشان می‌دهد که درمورد این فرد مبتلا هم هنوز نتیجه آزمایش نهایی اعلام نشده است.» با این حال چه جواب نهایی برای این مبتلای احتمالی مثبت باشد چه نباشد، نگرانی سردشتی‌ها برای سلامتی شان بجاست؛ موضوعی که در دهمین روز شیوع ویروس کرونا مورد توجه نماینده آنها در مجلس شورای اسلامی هم قرار گرفت و خضری از ضرورت اتخاذ تدابیر ویژه برای جلوگیری از ابتلا به کرونا در پیرانشهر و سردشت گفت.

او هنوز هم بر اتخاذ این تدابیر ویژه تاکید دارد و می‌گوید: «ما بیش از ۸۰۰۰ مصدوم شیمیایی در شهر سردشت و بعد پیرانشهر داریم؛ مصدومانی که عمدتا مشکلات ریوی دارند و این یعنی زمینه مساعد برای ابتلا به ویروس کرونا. که در صورت بروز ودرگیری قطع به یقین عوارض شدیدتری خواهند داشت و متاسفانه تبعات جبران ناپذیری را در سردشت شاهد خواهیم بود.» او اما برای ما از جلسات متعددش در صحن مجلس با وزیر بهداشت و اعضای کمیسیون بهداشت و.. برای رسیدگی به همین مشکل می‌گوید و این‌که قرار است به زودی سردشتی‌ها به صورت ویژه در بحث توزیع ماسک و مواد ضدعفونی کننده و البته تجهیزات دارویی مدنظر قرار بگیرند. او نگرانی مردم درباره کمبودهای موجود در فضای درمانی این شهر را هم تایید می‌کند و می‌گوید همه تلاش مسؤولان سردشتی باید بر پیشگیری از شیوع بیماری در سردشت مبتنی باشد و در همین زمینه از ضرورت اقدامات پیشگیرانه برای ورود کامیون‌ها و ترانزیت‌ها به سردشت و پیرانشهر خبر می‌دهد و می‌افزاید: «هردوشهر سردشت و پیرانشهر ترانزیت مرزی و گمرک بین المللی با اقلیم عراق دارند و ضرورت دارد قبل از ورود این ترانزیت‌ها به مبادی شهر، حتما آنها را ضدعفونی کنند.

سیمرغِ پرانتقاد گردشگری ایران

شادی کابیانی

جام جم

سی‌وسومین نمایشگاه ملی صنایع دستی ایران که اواخر بهمن ماه برگزار شد، رویدادهای متعددی را در دل خود جای داده بود، از جمله رونمایی از برند گردشگری ایران که سیمرغی است نقره‌ای و به دست وزیر گردشگری پرده از رخش کنار رفت. رونمایی از این اثر و برند ملی که ساخت دست هنرمندان صنایع دستی کشور است، با اعلام شعار گردشگری ایران همراه بود؛ یعنی شعار ایران باشکوه که قرار است در تبلیغات گردشگری در بازارهای خارجی از آن استفاده شود. و اما از ویژگی‌های سیمرغ ایرانی گردشگری که یک اثر هنری قلم کاری است و علی اصغر مونسان، وزیر گردشگری در حاشیه رونمایی به آنها اشاره کرد، رنگ آبی نقره‌ای، دارا بودن هویت دینی و ملی و فرم این پرنده اساطیریِ در حال پرواز است که می‌تواند نشانه اوج گرفتن گردشگری ایران باشد.

اما پرده برداشتن از رخ سیمرغ گردشگری ایران که نشان دهنده برند مقصد است، الزاما با کف و تایید همراه نبود و در این میان برخی هم نظرات انتقادی نسبت به آن دارند، چراکه برند مقصد، هویت رقابتی آن مکان است که مقصد را از سایر مقصدهای رقیب متمایز می‌کند و به جوهر و ماهیت ثابت و همیشگی، یا خصوصیت اصلی آن مقصد اشاره دارد. دراین میان باید گفت: بله سیمرغ، مرغ افسانه ایرانی است که در کتاب‌های مختلف (هفت مرتبه عشق عطار، فردوسی، حافظ و...) از آن نام برده شده و دارای جذابیت‌های زیادی است، اما یک برندمقصد گردشگری باید تمامی خصوصیات یک مقصد را برای سفر در نظر بگیرد. ایران کشوری چهار فصل است و ویژگی‌های مختلفی برای مقصد گردشگری دارد و تنها یک جنبه آن مطرح نیست (طبیعت گردی، گردشگری مذهبی و سلامت و تاریخی - فرهنگی) آیا سیمرغ می‌تواند تمامی این جنبه‌ها را معرفی کند؟ و اگر تاکید ما بر جنبه فرهنگی است، آیا برندی بهتر از سیمرغ را نمی‌توانستیم ارائه کنیم و آیا سیمرغ نماینده سوغات و ۳۲۰ نوع رشته صنایع دستی ثبت شده ایران هست؟

نکته بعدی این‌که؛ ایران کشورهای مختلفی را به عنوان هدف گردشگران ورودی خود قرار داده و تاکید بیشتر براساس گفته مسؤولان وزارت گردشگری برجذب گردشگران کشورهای منطقه و آسیاست؛ و همانطور که همه می‌دانیم کشورهای آسیایی سابقه فرهنگی تقریبا مشترکی باهم دارند و کشورهای آسیای شرق و هند با دارا بودن بسترهای عرفانی سال‌هاست که در گردشگری از ایران پیشی گرفته‌اند، پس انتخاب برند گردشگری سیمرغ برای کشورهای آسیایی، منطقه و مسلمان عملا پروژه‌ای سوخت شده است. هرچند برای جذب گردشگران اروپایی آن هم گردشگران فرهنگی با رده سنی بالا شاید این برند تا حدودی پذیرفته شده باشد.

انتقاد بعدی این‌که: ساختار گردشگری ایران بسیار در حال تغییر است و ایران به عنوان مقصدی برای گردشگران ماجراجو، جوان و کوله به دوش انتخاب شده که آنها خواهان ارتباط با جامعه محلی ایران و سبک زندگی بومی امروزی ایران هستند و در این میان سیمرغ نمی‌تواند به تنهایی آنها را جذب کند.

آنطور که تیموری، معاون گردشگری گفته: حدود ۱۷۰۰ کارشناس، استاد دانشگاه و متخصص و طراحان داخلی و بیش از ۳ هزار گردشگر خارجی برای طراحی این برند و انتخاب سیمرغ نظر داده‌اند، حال آن‌که می‌دانیم براساس رسم معمول در تمامی کشورها و حتی کشور ما طراحی یک برند یا لوگو بر عهده طراح یا گرافیست است و کشورهای مختلف جهان سعی می‌کنند درچنین مواردی از برترین طراحان خود برای طراحی سود بجویند و به نظر می‌رسد، بهتر بود مسؤولان ما هم به جای استفاده از نظرات هزاران کارشناس و گردشگر داخلی و خارجی برای طراحی سیمرغ، کار طراحی برند را به یک طراح نامی و بومی و آشنا با فرهنگ و تاریخ و طبیعت کشورمان می‌سپردند.

از سویی بسیاری از کشورهای پیشرو در گردشگری که همچون ایران از جنبه‌های مختلف گردشگری سود می‌برند، برای اهداف گردشگری خود در برندسازی از دو یا چند برند و طرح استفاده می‌کنند، به عنوان نمونه برندی در بر دارنده اهداف گردشگری سلامت و برند یا طرحی با موضوع طبیعت‌گردی و به نظر می‌آید که ایران هم شایسته بود از این رسم سود بجوید.

و پرسش دیگر در این حوزه این است که اگر سیمرغ در برند گردشگری ایران حائز اهمیت است چرا از طرح سیمرغ «ابراهیم حقیقی» که سال ۶۱ برای جشنواره فیلم فجر طراحی کرد استفاده نشد، سیمرغ جشنواره فیلم فجر به لحاظ بصری بسیار زیباست و به گفته خود ابراهیم حقیقی در تعریفی که برای سیمرغ داشتیم باید بلورین می‌شد. سیمرغ را نمی‌توان از سنگ، برنز، فولاد، چدن نقره یا چوب ساخت. سیمرغ یک مفهوم است. سیمرغ یک مرغ نیست که بتوان آن را تبدیل به حجم کرد. هر وقت خواستند آن را به حجم تبدیل کنند یا شبیه خروس شده یا طوطی و بلبل. سیمرغی که در آثار عطار و فردوسی و حافظ و مولاناست، فقط می‌تواند بلوری باشد. از طرفی برند گردشگری ایران تندیس اهدایی نیست که بخواهند از آن نمونه‌های مختلف بسازند، این برند قرار است در تمامی بروشورها، فیلم‌ها، نامه‌ها، بسته‌های سفر به ایران و.... در کنار لوگوی ایران خودنمایی کند، پس اصلا نیاز و ضرورت ساخت آن احساس نمی‌شد. و درنهایت این‌که چرا هیچ نام و نشانی از سازندگان این اثر فاخر ملی که قرار است به جهانیان معرفی شود، درمیان نیست.

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۶۲۰

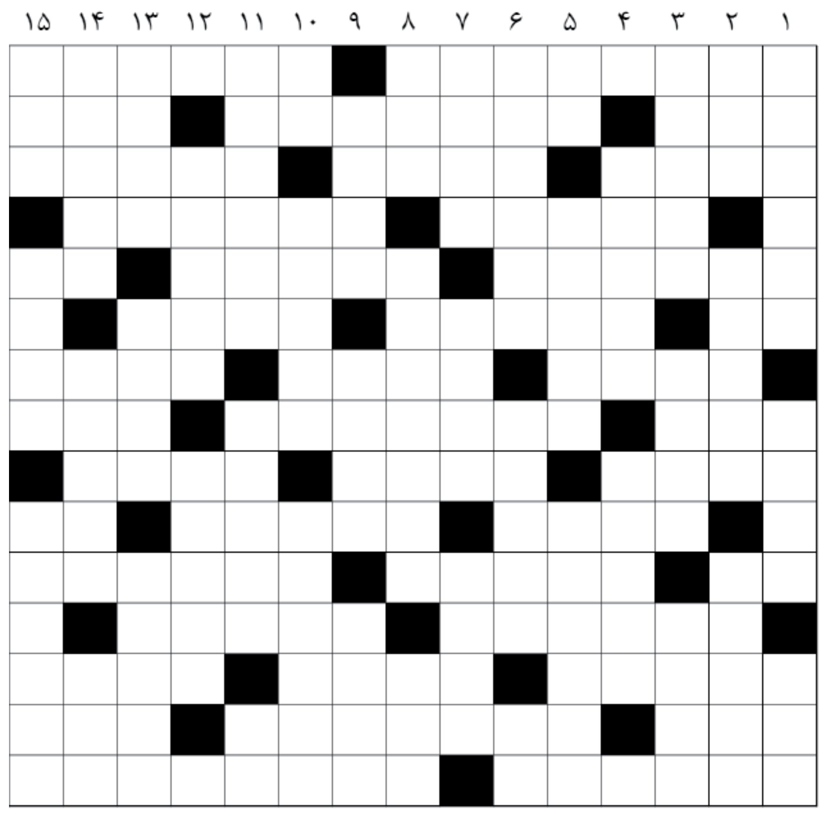

جدول عادی

افقی: ۱) جاذبه گردشگری مهم کرمانشاه- نویسنده آمریکایی رمان سپیددندان ۲) ریگ نرم- برپایی- پدر بیژن در شاهنامه ۳) لازم و ضروری- ابزار لحیم‌کاری- توطئه پنهانی ۴) باز شدن غنچه گل- نوعی شیرینی خرمایی ۵) رودی در پاکستان- شیرینی سوغات قم- تنها ۶) پایتخت ایتالیا- جهان معنی- امیدوار کردن ۷) هر سنگ قیمتی- اهل ری- پروردگار ما ۸) درخت کریسمس- نوعی رابطه متقابل بین دو جاندار- قسمتی از پا ۹) ورزش توپ و راکت- کلیسای قدیمی اصفهان- نوعی ماهی دریای خزر ۱۰) تلسکوپ فضایی- نوعی چاشنی خوراکی- چاشنی غذایی ۱۱) صدای گوسفند- نوعی تزئین روی پارچه- تخته مصنوعی ۱۲) مسابقه شعرخوانی- شرور ۱۳) عهد شباب- سرمشق- پارسا ۱۴) خواهر پدر- شاهکار جاودانه سروانتس اسپانیایی- موی گردن شیر ۱۵) لقب طهمورث پیشدادی- ارائه مهارت و توانایی‌های فردی به دیگران.

عمودی: ۱) پشتیبان- دوست خواندنی- موی تاب‌دار ۲) رود جیحون- مدفن ناصر خسرو- همگانی ۳) زورگو- نیکوروی- از ارتفاعات کرمانشاه ۴) صمیمی و بی‌ریا- ترتیب ۵) پسوند شباهت- آب‌فشان- قورت دادن ۶) پشه ناقل بیماری خواب- نویسنده فرانسوی نمایشنامه خسیس- چوب خوشبو ۷) کوره گچ‌پزی- گاوشخم‌زن- پهلوان تورانی شاهنامه ۸) پاك و پاکیزه- تحسین‌کننده- مخفف سیاه ۹) سالك- از تیم‌های فوتبال روسیه- قطعه لوله‌ای که دو سر آن رزوه داخلی دارد ۱۰) مکان- پایان- درشت‌هیکل و قدبلند ۱۱) خداوند- یکی پس از دیگری- هزار کیلو ۱۲) شراره آتش- عشق پرنده ۱۳) زینت روی انگشتر- سایبان چشم- پایتخت کشور جزیره‌ای کیپ ورد در آفریقا ۱۴) فلاپی دیسك- به حد مطلوب نرسیده- خطاب غیرمودبانه ۱۵) فرزندزاده- قوس- بی‌رحمی.

جدول ویژه

افقی: ۱) خودنمایی- باقلوا ۲) ثروتمند- اعتراض به حکم غیابی- گریستن بر مرده ۳) تکیه‌گاه پای دوچرخه‌سوار- نوعی ماهی استخوانی دریای خزر- بی‌موقع ۴) نوعی اردك- فلزی سرطان‌زا ۵) هریك از نمك‌های اسید نیتریك- شوم- بخش انتهایی چیزی ۶) حرف انتخاب- مسجد نجف اشرف- لقب امپراطوران روم بود ۷) همیشگی- امیدوار کردن- روحانی یهودی ۸) رشد- از دوره‌های زمین‌شناسی دوران سنوزوئیك- نوعی پارچه کلفت ۹) راه و روش عبادت- ششمین خلیفه اموی- بی‌رمق ۱۰) روادید- امیدواری- تکرار حرف دوم ۱۱) نشانه مصدر جعلی- شاعر غزلسرای آلمان در قرن نوزدهم- ایالتی در آمریکا ۱۲) سهل‌انگاری- یغما ۱۳) گوشه‌ای در دستگاه نوا- زبان‌بسته- دینداری ۱۴) تنگ‌چشمی- نوعی الیاف مصنوعی- رودی در مرکز روسیه ۱۵) شلوغی و هیاهو- از پایه‌های اصلی دین زرتشت.

عمودی: ۱) زبان یهود- شور- ماندن در زندان ۲) گوسفند جنگی- گلی زیبا و خوشبو- استهزا ۳) مهمانی- نویسنده فرانسوی کتاب قرارداد اجتماعی- انبار گندم ۴) قسی‌القلب- آسمان ۵) جدید- از الفبای زبان یونانی- روز بیست و هشتم هر ماه شمسی در ایران قدیم ۶) ایالتی در آمریکا- چندلایحه- ویتامین خونی ۷) تنگ‌چشم- کامیاب- روز عرب ۸) شترمرغ منقرض‌شده- رمانی نوشته امیرحسن چهل‌تن- بزرگ قبیله ۹) کندزبان- چاودار- زیاده‌روی در تشریفات ۱۰) به نفع او- حالت روحی- کامل و بدون نقص بودن ۱۱) سیستم عاملی در کامپیوتر- شکار- کار ناتمام! ۱۲) خودداری کردن- دریچه کنار کاربراتور خودرو ۱۳) تازه و جدید- درآمد نامشروع با امکانات دولتی- محکمه باطنی ۱۴) پشیمانی- معادل فارسی اتوبوس- یك نفر ۱۵) بخشش، عطا- شهری تاریخی بین اصفهان و نائین- وحشت‌زده.

حل جدول عادی شماره ۵۶۱۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ش	ت	ر	گ	ا	و	پ	ل	ن	گ	■	ه	ر	ا	س
۲	ا	ص	ا	ل	ت	■	ر	ا	ی	ز	ن	ی	■	ر	خ
۳	پ	ا	ی	ا	■	م	س	ل	ک	■	گ	و	ا	ه	ی
۴	و	د	■	ب	ه	ج	ت	■	ل	م	ا	ل	م	■	■
۵	ر	م	ز	■	م	ر	ش	د	■	م	ر	ا	ج	ع	ه
۶	■	■	ب	ی	گ	م	■	ق	ش	ن	گ	■	د	ر	ا
۷	ت	س	ا	و	ی	■	ک	ی	ب	و	ر	د	■	ی	ن
۸	ر	ا	ن	ش	■	م	د	ا	ی	ن	■	و	ق	ا	ر
۹	ج	و	■	ع	ی	د	ا	ن	ه	■	ن	ش	د	ن	ی
۱۰	م	ی	ز	■	ل	ی	م	و	■	د	ی	س	ی	■	■
۱۱	ه	ز	ا	ر	ت	و	■	س	م	ر	ا	■	م	ح	ک
۱۲	■	■	ی	ا	س	م	ن	■	ا	ر	ز	ن	■	و	ا
۱۳	ا	ب	ل	ه	ی	■	ا	س	ل	و	■	ق	ت	ا	ل
۱۴	م	ل	■	ا	ن	ک	س	ا	ر	■	پ	ر	ی	ش	ب
۱۵	ا	د	ی	ب	■	خ	ا	م	و	ش	ی	س	پ	ی	د

حل جدول ویژه شماره ۵۶۱۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ر	ن	گ	ع	و	ض	ک	ر	د	ن	■	م	ه	ل	ت
۲	م	س	ی	ل	ه	■	ت	ن	و	ر	چ	ه	■	ا	ز
۳	ا	ن	ج	م	■	م	ا	و	ا	■	م	ا	ن	د	ه
۴	ی	ا	■	ا	ش	و	ب	■	م	ت	ن	ب	ه	■	■
۵	ت	س	ت	■	ا	ن	ت	ن	■	ک	ا	ت	ر	ی	ن
۶	■	■	و	ا	پ	س	■	ق	ط	و	ر	■	و	ک	ر
۷	ت	ل	ا	ل	و	■	ش	ط	ح	ی	ا	ت	■	ب	گ
۸	ل	ی	م	و	■	م	ا	ه	ا	ن	■	ا	و	ن	س
۹	ا	ا	■	ا	ه	ل	ف	ض	ل	■	ا	ز	ا	د	ی
۱۰	ط	م	ع	■	م	ا	ی	ع	■	ع	ف	ی	ف	■	■
۱۱	م	ت	م	ا	ی	ز	■	ف	ا	ر	س	■	ر	س	ل
۱۲	■	■	و	خ	ا	م	ت	■	ک	و	ر	ک	■	ی	و
۱۳	ب	و	د	ل	ر	■	م	ن	ت	ج	■	م	ا	ر	س
۱۴	ل	س	■	ا	ی	ک	ا	ی	و	■	ک	ر	و	ا	ت
۱۵	م	ط	ل	ق	■	ا	س	ت	ر	ا	ت	و	س	ف	ر